

# The efforts of Abulqasem Azad Maraghei in changing the script and alphabet of Persian: Ideas and Consequences

Mohsen Parvish<sup>ID</sup> \*

1. Department of History, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

|                      |                                        |                      |                       |
|----------------------|----------------------------------------|----------------------|-----------------------|
| Received: 2025/01/14 | Received in Revised Format: 2025/02/22 | Accepted: 2025/02/23 | Published: 2025/03/21 |
|----------------------|----------------------------------------|----------------------|-----------------------|

## Abstract

In the late Qajar period, coinciding with the exposure of Iranian intellectuals to global developments, new ideas entered Iran, among which were efforts to change the Persian script and alphabet. Abolqasem Azad Maraghei, one of the pioneers of this movement, advocated for the modification of the Persian script and its replacement with the Latin alphabet, aiming to facilitate education and increase public literacy. He believed that the inadequacies of the Persian script were one of the main obstacles to Iran's progress and that changing it could contribute to the country's cultural and scientific advancement. In this regard, Azad Maraghei designed a new alphabet called the "Easy Alphabet" and made extensive efforts to promote it.

The purpose of this article is to examine the ideas, actions, and consequences of Azad Maraghei's efforts to change the Persian script and alphabet, and to analyze the impact of this movement on Iran's cultural and linguistic developments. The findings of the research indicate that Azad Maraghei's efforts faced numerous challenges, including social and cultural opposition, lack of governmental support, and practical difficulties. Despite these obstacles, he succeeded in initiating serious discussions about the reform of the Persian script and language.

**Keywords:** Sereh Nevisi, Abulqasem Azad Maraghei, script and alphabet change, cultural and linguistic transformations.

*Cite as:* Parvish, Mohsen. The efforts of Abulqasem Azad Maraghei in changing the script and alphabet of Persian: Ideas and Consequences. *Iranian History of Culture*. 2025; 2(1): 109-129.

**Owner and Publisher:** University of Tabriz

**Journal ISSN** (online): 3060-8066

**Access Type:** Open Access

**DOI:** 10.22034/IHC.2025.19378

\* Assistant Professor of University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

[mohsen.parvish@uma.ac.ir](mailto:mohsen.parvish@uma.ac.ir)



## تلاش‌های ابوالقاسم آزادمرآغه‌ای در تغییر خط و الفبای فارسی: ایده‌ها و پیامدها

محسن پرویش 

۲- گروه تاریخ، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۵ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۵ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱

### چکیده

در اواخر دوره قاجار و همزمان با آشنایی روشنفکران ایرانی با تحولات جهانی، اندیشه‌های نوینی وارد ایران شد که از جمله آن‌ها می‌توان به تلاش برای تغییر خط و الفبای فارسی اشاره کرد. ابوالقاسم آزادمرآغه‌ای، از جمله پیشگامان این جنبش، با هدف تسهیل آموزش و افزایش سواد عمومی، به تغییر خط فارسی و جایگزینی آن با الفبای لاتین روی آورد. او معتقد بود که نارسایی خط فارسی یکی از موانع اصلی پیشرفت ایران است و تغییر آن می‌تواند به رشد فرهنگی و علمی کشور کمک کند. آزادمرآغه‌ای در این راستا، الفبایی جدید به نام «الفبای آسان» طراحی کرد و تلاش‌های گسترده‌ای برای ترویج آن انجام داد. هدف این مقاله بررسی ایده‌ها، اقدامات و پیامدهای تلاش‌های آزادمرآغه‌ای در تغییر خط و الفبای فارسی می‌باشد و تأثیرات این جنبش را بر تحولات فرهنگی و زبانی ایران تحلیل می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تلاش‌های آزادمرآغه‌ای با چالش‌های متعددی روبرو شد، از جمله مخالفت‌های اجتماعی و فرهنگی، عدم حمایت دولتی و مشکلات اجرایی. او با وجود این موانع، توانست بحث‌های جدی درباره اصلاح خط و زبان فارسی را به راه اندازد.

**کلیدواژه‌ها:** سره نویسی، ابوالقاسم آزادمرآغه‌ای، تغییر خط و الفبا، تحولات فرهنگی و زبانی

نحوه ارجاع: پرویش، محسن. "تلاش‌های ابوالقاسم آزادمرآغه‌ای در تغییر خط و الفبای فارسی: ایده‌ها و پیامدها". تاریخ فرهنگ ایران. ۱۴۰۴، ۲(۱): ۱۰۹-۱۲۹.

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه تبریز

شاپای الکترونیکی: ۸۰۶۶-۳۰۶۰

نوع دسترسی: آزاد

DOI: 10.22034/IHC.2025.19378

ابوالقاسم آزادمرآغه‌ای به عنوان یک سیاستمدار و روزنامه نگار در دوره قاجار و پهلوی تلاش‌های قابل توجهی در زمینه تغییر خط و الفبای فارسی داشته است. در اوایل دهه ۱۳۰۰ شمسی، ابوالقاسم آزادمرآغه‌ای با علاقه و پیگیری در زمینه فرهنگ زبان‌های باستانی، به مجلس و هیئت دولت نامه‌ای نوشت و درخواست کرد تا همراه با چهار فرزند خود به اروپا اعزام شود تا بیشتر با این زبان‌ها آشنا شود و هزینه‌های مربوطه تأمین گردد. همچنین مبلغی از سوی وزارت معارف برای تألیف و تدوین فرهنگ خود که آزاد نام نهاده بود، دریافت کرد. حمایت حکومت پهلوی از این جریان نیز برنامه‌های سیاسی - تبلیغی را به دنبال داشت. روزنامه‌هایی همچون کاوه و ایرانشهر تأثیر مهمی بر این جریان فکری داشتند. با نهضت مشروطه و گسترش روزافزون روزنامه‌ها و مجلات، نوعی خاص از نگارش رواج یافت که هر نویسنده‌ای به سلیقه خود به نوعی از نگارش می‌پرداخت. در این دوره علاوه بر واژه‌های عربی، واژه‌های دیگری هم از زبان‌های دیگر به نثر فارسی راه یافت که ترجمه‌های کامل و ناقص نیز بر آن‌ها اضافه شد و اصول و قواعد نگارش دستخوش سلیقه شد. در پی این آشفتگی، ضرورت توجه به حفظ و پیرایش زبان فارسی مشاهده شد و کسانی مانند ابوالقاسم آزادمرآغه‌ای را واداشت که مجله نامه پارسی را که از آغاز تا انجام آن یک واژه تازی دیده نمی‌شد، در تهران منتشر کند. به دنبال این جریانات در سال ۱۳۰۳ به دستور سردار سپه انجمنی برای وضع لغات و تثبیت معانی آن‌ها به فارسی در وزارت جنگ تشکیل شد. در سال ۱۳۱۱ هم وزارت فرهنگ، «فرهنگستان طب» را تأسیس کرد.

مقاله حاضر با بررسی آثار و اندیشه‌های ابوالقاسم آزادمرآغه‌ای پیرامون سره نویسی برآن است تا به این سؤالات پاسخ گوید: ابوالقاسم آزادمرآغه‌ای چه ایده‌ها و روش‌هایی را برای تغییر خط و الفبای فارسی پیشنهاد داد و چگونه این ایده‌ها بر جامعه فرهنگی و زبانی ایران تأثیر گذاشت؟ چرا با اینکه ابوالقاسم آزاد هدفش از صیانت از زبان فارسی، حذف خط و واژگان تازی است اما نه تنها با واژگان انگلیسی یا ... مشکلی ندارد حتی پیشنهاد استفاده از رسم الخط لاتین را مطرح کرده است؟ در باب پیشینه پژوهش باید ذکر کرد که در بررسی تلاش‌های ابوالقاسم آزادمرآغه‌ای در زمینه تغییر خط و الفبای فارسی، مقاله‌ای از علیرضا دولتشاهی تحت عنوان «آزاد مراغی و پارسی نویسی» منتشر شده است. این مقاله در سال ۱۳۵۱ در مجله «جهان کتاب» (شماره ۲، ش ۷-۸) به چاپ رسیده است. دولتشاهی در این مقاله به بررسی تأثیرات فرهنگی و اجتماعی این تلاش‌ها بر جامعه ایرانی و همچنین چالش‌هایی که آزادمرآغه‌ای با آن‌ها مواجه بود، می‌پردازد. همچنین مقاله‌ای از ایرج افشار تحت عنوان «یادی از ابوالقاسم آزاد مراغی» در نشریه «آینده» منتشر شده است که در شماره ۱۸ (ش ۷-۱۲) به چاپ رسیده است. این مقاله به بررسی زندگی و فعالیت‌های ابوالقاسم آزادمرآغه‌ای می‌پردازد. علاوه بر این دو مقاله اینترنتی وجود دارد. یکی با عنوان ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای در سایت پژوهشکده تاریخ معاصر که زندگی ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای را به صورت مختصر و در چند سطر بیان می‌کند. مقاله دیگری هم در سایت کافه تاریخ وجود دارد با عنوان «ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای؛ تجدیدگرایی که از اصل خویش دور ماند» که این مقاله هم در حد یک صفحه به زندگی و اندیشه آزاد مراغه‌ای اشاره دارد.

## پیشینه و روش تحقیق

این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اسناد انجام شده است. در باب پیشینه پژوهش باید ذکر کرد که در بررسی تلاش‌های ابوالقاسم آزادمراغه‌ای در زمینه تغییر خط و الفبای فارسی، مقاله‌ای از علیرضا دولتشاهی تحت عنوان «آزاد مراغی و پارسی نویسی» منتشر شده است. این مقاله در سال ۱۳۵۱ در مجله «جهان کتاب» (شماره ۲، ش ۷-۸) به چاپ رسیده است. دولتشاهی در این مقاله به بررسی تأثیرات فرهنگی و اجتماعی این تلاش‌ها بر جامعه ایرانی و همچنین چالش‌هایی که آزادمراغه‌ای با آن‌ها مواجه بود، می‌پردازد. همچنین مقاله‌ای از ایرج افشار تحت عنوان «یادی از ابوالقاسم آزاد مراغی» در نشریه «آینده» منتشر شده است که در شماره ۱۸ (ش ۷-۱۲) به چاپ رسیده است. این مقاله به بررسی زندگی و فعالیت‌های ابوالقاسم آزادمراغه‌ای می‌پردازد.

علاوه بر این دو مقاله اینترنتی وجود دارد. یکی با عنوان ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای در سایت پژوهشکده تاریخ معاصر که زندگی ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای را به صورت مختصر و در چند سطر بیان می‌کند. مقاله دیگری هم در سایت کافه تاریخ وجود دارد با عنوان «ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای؛ تجددگرایی که از اصل خویش دور ماند» که این مقاله هم در حد یک صفحه به زندگی و اندیشه آزاد مراغه‌ای اشاره دارد.

## مروری کوتاه بر زندگی ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای

ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای، فرزند میرزا عبدالمحمد ثقة الاسلام، در دی‌ماه ۱۲۶۱ شمسی در مراغه به دنیا آمد. او از یک خانواده مذهبی و علمی برخاست که پدرش به عنوان یکی از مجتهدین برجسته آذربایجان شناخته می‌شد. در دوران کودکی، ابوالقاسم تحصیلات ابتدایی خود را در زادگاهش آغاز کرد و به تدریج با ادبیات و زبان عرب آشنا شد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی، به توصیه پدرش به نجف سفر کرد تا در حوزه علمیه به تحصیل علوم دینی بپردازد. او در نجف از محضر بزرگانی همچون آیت‌الله ملا محمد کاظم خراسانی و شیخ حسن ممقانی بهره‌مند شد و در کنار آن‌ها به یادگیری فقه و اصول پرداخت. این دوران به او این امکان را داد تا در زمینه‌های مختلف علوم دینی تعمق کند و با مبانی فکری عمیق‌تری آشنا شود (صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۱۴۱ - ۱۴۲). پس از فراغت از تحصیلات دینی، ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای تصمیم به ادامه تحصیلات در علوم جدید گرفت و به اروپا سفر کرد (افشار، ۱۳۷۱: ۴۰۵ - ۴۰۶). او ابتدا به قفقاز رفت و در شهرهای مختلف به تدریس مشغول شد. در باکو، او به همراه گروهی از هموطنان خود اقدام به تأسیس مدارس جدید کرد و در آنجا به آموزش علوم مختلف پرداخت. این تجربه به او فرصتی داد تا دانش خود را با دیگران به اشتراک بگذارد و ارتباطات فرهنگی و علمی جدیدی برقرار کند. پس از اقامت در قفقاز، آزاد مراغه‌ای به کشورهای متعددی از جمله ترکیه، یونان، مصر، فرانسه، انگلستان و هندوستان سفر کرد. در هر یک از این کشورها، او سعی می‌کرد تا با فرهنگ و زبان محلی آشنا شود و به همین منظور، هزینه سفرهای بعدی خود را نیز تأمین کند. در اروپا، او به تحصیل در زمینه‌های نوین مانند علوم طبیعی، ریاضیات و زبان‌های خارجی پرداخت و از امکانات آموزشی مختلف بهره‌برداری کرد، که به غنای دانش او افزود.

بازگشت ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای به ایران، نقطه عطفی در تحول اندیشه‌ها و آثار او بود. او از کسوت روحانیت فاصله گرفت و به تدریس و آموزش در زمینه‌های مختلف، از جمله زبان‌های خارجی و ادبیات فارسی، مشغول شد. این تغییر رویکرد به او این امکان را داد که به تألیف کتاب‌ها و مقالاتی در موضوعات گوناگون از جمله فرهنگ، تاریخ و ادبیات بپردازد و نقش مؤثری در

## مقاله پژوهشی

ترویج دانش و آموزش در جامعه ایفا کند. در دوران اقامت خود در انگلستان، او به فکر تغییر خط فارسی افتاد. هرچند پیش از او، افرادی مانند او نیز به این اندیشه پرداخته بودند، اما او با جدیت بیشتری به ساخت واژه‌های جدید فارسی پرداخت. این تفکر او را به هندوستان کشاند، جایی که در دانشگاه علیگره به تدریس زبان انگلیسی مشغول شد و به مقام استادی نائل آمد (صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۲۶۳/۴). در هند، آزاد مرغه‌ای به همکاری با روزنامه «حبل‌المتین» پرداخت و مقالاتی در این نشریه منتشر کرد. این فعالیت‌ها نشان‌دهنده تعهد او به گسترش دانش و فرهنگ ایرانی در خارج از کشور بود و تأثیرات عمیقی بر نسل‌های بعدی داشت.

مرغه‌ای به گفته خود با زبان‌های باستانی ایران آشنایی داشت و پس از بازگشت به ایران در وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه استخدام شد و در آنجا به تحقیقاتی در زمینه زبان‌های کهن ایران پرداخت. در زبان فارسی پیرو رضاقلی‌خان بکشلوی قزوینی و میرزا سنگلاخ مشهدی و از شیفتگان مکتب دساتیر هند در زبان فارسی بود (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۷۴). بعد از چندی با دختر حاج میرزا حسن رشیدیه ازدواج کرد (اطلاعات هفتگی، ۱۳۲۵: ۱۸) در اواسط جنگ جهانی اول، در تهران به روزنامه‌نگاری پرداخت. ابتدا مجله نامه پارسی را که به فارسی سره و بدون واژه‌های عربی بود، منتشر کرد و سپس روزنامه آسایش را در تهران و روزنامه آزاد را در تبریز و سپس مجله نامه بانوان را در تهران منتشر کرد. در ۱۳۲۴ ش. نیز جمعیتی به نام «گروه الفبای آسان» تشکیل داد. ابوالقاسم آزاد شعر هم می‌سرود، که از جمله آن‌ها منظومه سرگذشت خودش است. ابیات ذیل نمونه‌ای از آن است:

شب دوم به گاهان از مه دی      به سال مهر از ساغر ببر پی  
به شهر نارگاه از مام زادم      ندانم چون برین گیتی فتادم  
چو گشتم هیفده ساله فرستاد      مرا سوی نجف آن باب فرج‌اد... (افشار، ۱۳۷۵: ۴۰۵)

## پیشگامان تفکر سرهنویسی در ایران

پیوستگی اجرایی و اندیشه‌ای باستان‌گرایان با غرب‌گرایان به ویژه در اواخر قاجار و اوایل پهلوی مورد توجه بوده است. در این دوره اکثر تجدد گرایان (غرب‌گرایان) برای به چالش کشیدن فرهنگ رایج در ایران و با شعار ایران دوستی اقدام به نقد و طعن نمادها و نشانه‌های فرهنگی پرداختند و ابوالقاسم آزاد در چنین فضایی رشد کرده و می‌زیسته است. به این معنا که این طیف از باستان‌گرایان ایرانی آگاهانه یا ناآگاهانه بیش از اینکه مدافع فرهنگ ایرانی باشند به دنبال نقد فرهنگ رایج در ایران و نزدیک شدن به فرهنگ مغرب زمین بوده‌اند. به چند زبان اروپایی آشنا بوده و حتی می‌نگاشته‌اند اما از استفاده از واژگان عربی ابا داشته‌اند.

تفکر سرهنویسی در ایران به عصر صفویه بر می‌گردد که طی آن، گروهی از ایرانیان با شخصی به نام آذر کیوان به هند مهاجرت کردند. واژگان مجعولی که در آثار پیروان آذرکیوان به کار رفته بود، کم‌کم مورد توجه برخی از نویسندگان ایرانی قرار گرفت. کتاب‌هایی نظیر دساتیر که مأخذ اصلی این واژگان بود، همه ساختگی بود. به هر حال، رواج این لغات و آثار در میان نویسندگان به گونه‌ای بوده که می‌توان سرهنویسی بعضی از آنان همچون یغمای جندقی را توجیه کرد. او در خصوص نگارش پارسی آورده است: «...دیده خوانندگان بدین تازه روش نو دیدار است.» (یغمای جندقی، ۱۳۶۲: ۷۴/۲) فرهاد میرزا معتمدالدوله از دیگر کسانی است که به فارسی سره، توجهی خاص نشان داده است. انگیزه اصلی او از این کار، نشان دادن توانمندی خویش در عرصه نویسندگی بوده است (حکمت، ۱۳۳۰: ۱۰۴ - ۱۲۸).

در میان سرهنویسان دوره قاجار در عرصه فکر، جلال الدین میرزا قاجار از همه معروف تر است (فصیحی، ۱۳۷۲: ۱۵۴). او با نگارش کتاب *نامه خسروان*، فصلی تازه را در تاریخ سرهنویسی آغاز کرد. از میان کسانی که در پی انتشار *نامه خسروان* به بحث و گفتگو در زمینه سرهنویسی و پاک سازی زبان از لغات عربی پرداخته اند، دو تن از همه پراوازه ترند: میرزا فتحعلی آخوندزاده و میرزا آقاخان کرمانی.

نقطه آغازین نگاه به تغییر الفبا از میرزا فتحعلی آخوندزاده آغاز شد و به تدریج، توسط روشنفکران دیگر ادامه یافت. آخوندزاده از دوره ایران باستان به نیکی یاد می کند. او آن چنان تصویری از ایران دوره باستانی ارائه می کند که گویا حکومت های باستانی ایران دچار زوال نشده و نمی شوند (آخوندزاده، بی تا: ۱۶). در نظر او در ایران باستان «کسی در حق احدی» ظلم نمی کرد. او ایرانی را به تصویر می کشد که در آن هیچ فقیر و گدایی پیدا نمی شد. پادشاه در هر هفته یک روز را «بار» می داد. خود آخوندزاده انگیزه خود از اصلاح خط را این چنین بیان می کند: «منظور من محض منفعت عامه است...» (آخوندزاده، ۱۳۵۷: ۶۱).

او یکی از عمده مشکلات زنان را بی سواد بودن آنان می داند و دلیل آن را نیز در «صعوبت خط» (همان، ۱۵۳) می داند. آخوندزاده به خوبی به اولویت پشتوانه های فکری برای تغییرات جامعه آگاه بود، اما در این راه اغراق می نمود: «مسلم است که راه آهن وطن شما را آباد و ایمن خواهد کرد، اما سعادت کامل شما منوط به شروط و اوضاع دیگر است که مبدأ کل آن ها انتشار علوم و ترویج مطالب کمال الدوله است و این هر دو موقوف به تغییر الفباست.» (آخوندزاده، بی تا: ۱۱۲).

فرد دیگری که باید به آن اشاره کنیم میرزا آقاخان کرمانی است. جنبه عرب زدایی در نوشته های وی بیش از دیگر تاریخ نویسان ناسیونالیست نمود داشت. به گفته او «اگر همین شاهنامه فردوسی نمی بود، بعد از استیلای اقوام عربیه تا کنون بالمره لغت و جنسیت ایرانی مبدل به عرب شده بود.» (کرمانی، ۱۳۲۴: ۱۴). آقاخان کرمانی سه مکتوب را که از مهمترین نوشته هایش به شمار می آید، تحت تأثیر آخوندزاده و مکتوبات کمال الدوله به رشته تحریر در آورده است. کرمانی نیز همانند آخوندزاده با حسرت به ایران باستان نظر دارد.

از منظر وی، اصالت هر قوم را باید در تاریخ آن جستجو کرد (کرمانی، ۱۳۲۴: ۱۲ - ۱۳). آقاخان کرمانی نیز به پیروی از آخوندزاده شدیداً مخالف رسم الخط کنونی فارسی بود و یکی از مهمترین دلایل عدم پیشرفت مسلمانان را خط آنان می دانست و خواهان اصلاح و تغییر آن بود. در نتیجه این فکر بود که افرادی مانند ابوالقاسم آزاد مراغه ای ظهور کرده و به پاک کردن زبان فارسی از لغات عربی پرداختند. آزاد مراغه ای گفتارهایی در مجله *نامه پارسی* - که در تهران منتشر می کرد - بر زبان می آورد که تمام مندرجات آن؛ چه نظم و چه نثر به پارسی سره بود و به گفته خود او از آغاز تا انجام آن، یک واژه تازی در آن دیده نمی شد (آرین پور، ۱۳۷۴: ۱۷).

این مجله و آن گفتارها، جنب و جوشی در میان جوانان به وجود آورد و باعث شد تا مراغه ای طرفدارانی هم دور خود جمع کند، اما هم او و هم بسیاری از کسانی که - چه قبل و چه بعد از او - تنها متوجه آمیختگی زبان فارسی با کلمات بیگانه بودند و خواستشان این بود که زبان را از کلمه های بیگانه و به خصوص، عربی پاک سازند، با جست و جوی در فرهنگ ها، برخی کلمه های کهن فارسی را که بسیاری از آن ها بی معنی یا نارسا بود، در نوشته های خود به جای کلمه های رایج عربی می آوردند. نتیجه این تلاش های عبث آن بود که نوشته های آنان را هیچ فارس زبانی نمی فهمید. (آرین پور، ۱۳۷۴: ۱۷).

## فعالیت‌ها و گرایش‌های آزاد مرغه‌ای

ابتدایی‌ترین نقطه آغازین برای ورود ابوالقاسم آزاد به جرگه سرهنویسان، هندوستان بود. او به هندوستان سفر کرد به دلیل دسترسی آسان به فرهنگ‌هایی مانند دساتیر و برهان قاطع. در هند، او به تحصیل و تحقیق در زمینه زبان و ادبیات فارسی پرداخت. این تجربه در هند به او فرصتی برای واژه‌سازی و تألیف فرهنگ نوبهار ایران، که شامل هشت هزار لغت فارسی به همراه معادل انگلیسی آنها بود، فراهم کرد. (صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۲۶۳/۴). با آغاز جنگ جهانی اول، آزاد مرغه‌ای به ایران بازگشت و به عنوان روزنامه‌نگار فعالیت کرد. او در ابتدا مقالاتی در روزنامه ارشاد منتشر کرد. همچنین، تلاش کرد تا فرهنگ نوبهار را به چاپ برساند، اما متأسفانه موفقیتی نداشت. در شماره نخست نامه پارسی، خودش می‌نویسد که قصد داشت این فرهنگ را به یکی از شرکت‌های انگلیسی بفروشد، اما در نهایت تصمیم گرفت آن را به ایرانیان هدیه دهد و سود حاصل از آن را به دیگران ندهد. او در این نامه از تنگدستی و بی‌پولی ایرانیان نیز ناراحتی خاصی بیان می‌کند. (آزاد مرغه‌ای، ۱۲۹۵: ۷). هنگامی که این اندیشه او به در بسته خورد چاره‌ای دیگر اندیشید. او تصمیم گرفت «در هریک از شماره‌های آینده چند چهره (صفحه) از فرهنگ نوبهار/ ایران خواهم نوشت تا خریداران آن را گرد نموده سرانجام دارای یک جلتا (جلد) فرهنگ چاپ‌شده باشند» (آزاد مرغه‌ای، ۱۲۹۵: ۸).

مرغه‌ای در پاورقی روزنامه ارشاد مطالبی تحت عنوان «گفتار پارسی» منتشر می‌نمود و برای هر اصطلاح و لغت امروز کلمه فارسی ذکر می‌کرد که شاید بعضی از آن صحیح بوده و در کتب لغات فارسی ما ذکر شده باشد. اما قهرمان میرزا عین‌السلطنه معتقد است «بیشترش به نظر من اختراعی است و هیچ همچو لغتی ما در قدیم نداشتیم». (سالور و افشار، ۱۳۷۸: ۴۴۵۷/۶). مرغه‌ای سعی داشت تا در این روزنامه، سرهنویسی را در ادبیات ایران ترویج نماید؛ به طوری که افرادی همچون ابراهیم پورداود از پیشگامان این تفکر بود. البته طرز و روش پورداود با مرغه‌ای متفاوت بود. آزاد مرغه‌ای سعی خود را بر آن گذاشته بود تا لغات جعلی را که در دساتیر وجود داشت، به جای لغات مرسوم بنشاند و در این زمینه نیز پیشنهادهایی ارائه می‌کرد که عاقلانه به نظر نمی‌رسید (آبادیان، ۱۳۸۵: ۳۰۹)؛ یا به گفته عین‌السلطنه خیلی از این لغات «به زبان وحشی‌های آمریکا و آفریقا شبیه‌تر است تا به زبان فارسی ما» (سالور و افشار، ۱۳۷۸: ۴۴۵۷/۶). سپس در ۱۳۳۴ ق. در مسیر اندیشه تغییر خط و باستان‌گرایی نامه پارسی را منتشر کرد (افشار، ۱۳۷۱: ۴۰۵). نامه پارسی دوبار در ماه و در شانزده صفحه منتشر می‌شد و عنوان آن نخستین روزنامه پارسی در ایران بود؛ زیرا مطالب آن به پارسی سره بود. به گفته آزادمرغه‌ای «از آغاز تا انجام آن یک واژه تازی دیده نمی‌شود» (صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۱۴۲/۱).

همان‌طور که اشاره رفت آزاد مرغه‌ای از طرفداران اصلاح خط فارسی و سرهنویسی به شمار می‌رود؛ چرا که هفته‌ای دوبار در دفتر نشریه، کلاس‌های آموزش سرهنویسی برپا کرده بود. همچنین او نخستین کسی است که نشریه‌ای به فارسی سره منتشر می‌نمود. شیوه و روش کار او در روزنامه‌نگاری مخالفت‌های جدی را از سوی نویسندگان جراید به همراه داشت؛ چنان‌که با وجود حمایت مرتضی خان ممتازالملک؛ وزیر علوم و معارف، روزنامه‌اش پس از دو سال انتشار تعطیل گردید (دولتشاهی، ۱۳۵۱: ۵۰).

در شماره نخست روزنامه، آزاد مرغه‌ای در مقدمه‌ای با عنوان «خطاب به مادر میهن» به این اشاره کرد که زبان شیرین فارسی به زبان تلخ بیگانگان درآمخته است و از این امر شکوه می‌برد. (صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۲۶۳/۴). سپس به نگارش نشریه‌ای به نام «نامه پارسی» پرداخت. او در این نشریه قصد داشت در هر شماره، یک صفحه را به واژگان فرهنگ خود اختصاص دهد و در مقابل واژگان جدید، معنی آنها را آورد. این نشریه به مدت دو سال منتشر شد و در آن مقالاتی از افرادی

مانند ابوالحسن میرزا معروف به شیخ‌الرئیس و مجدالاسلام کرمانی نیز منتشر می‌شد. شیخ‌الرئیس در ماده‌تاریخ نشر نامه پارسی چنین می‌آورد:

ستاره‌ای بدرخشان مردی از رادی که داد تیره‌دلان را فروغ آزادی  
زبان پارسی از نغزنامه‌اش گردید درست و سخته پس از سخت سست بنیادی  
سپاس ایزد کز کوشش ابوالقاسم رسید سود پس از روزگار بر بادی (نامه پارسی، ش ۱: ۱۵ - ۱۶).  
آزاد مراغه‌ای در این نشریه به دنبال این بود تا واژه‌های بیگانه به ویژه واژه‌های تازی را از زبان فارسی جدا کند و به جای آن‌ها پارسی ناب را جایگزین نماید. به عبارتی دیگر، نامه پارسی حسرت از یاد رفتن شکوه و عظمت ایران باستان را به یاد می‌آورد و معتقد است هنگامی از چنگال عقب‌ماندگی رهایی پیدا می‌کنیم که به آن دوران برگردیم. او دوران باستان را این‌گونه تشریح می‌کند: «کجا رفتند فرزندان که تو را از جان شیرین، دوست‌تر می‌داشتند و مایه سرافرازی و بلندی نامت بودند...» (نامه پارسی، ش ۱: ۲).

عده‌ای بر این عقیده‌اند که عدم دقت نظر و عجله بیش از حد مراغه‌ای بر آن شده است تا لغات مهجور و مرده را معرفی نماید. مثلاً «روایش» به معنی «ترویج»، «شماره‌های درست» به معنی «میلیاردها لیره»، «هاوش‌ها» به معنی «اقوام»، «سنج» به معنی «وزن»، «مهرک» به معنی «کتاب»، «فاداشت» به معنی «ایراد» (فتحی، ۱۳۵۲: ۵۵۵). حال برای روشن شدن این مبحث به نمونه‌ای از جمله‌بندی مراغه‌ای اشاره می‌نماییم: «در میان هر برتن هر چیز در آغاز سوتام می‌شود، مگر با فاداشت و به‌گزینی، آنهم بایای فرهنگیان (ادبا) است که آن را بنویسند و به سرنامه فرهون (آدرس اداره) ما بفرستند و دیگر داد (عمر) خود را هزینه شخس با جندال (صرف مباحثه با عوام) نکرده و آنان را به جاور خود گذرانند...» (فتحی، ۱۳۵۲: ۵۵۵).  
با کمی دقت به این جملات و کلمات، مخاطب خیال می‌کند که نویسنده قصد شوخی و خنداندن دارد. این لغات داستایی حتی واکنش افرادی همچون محمد قزوینی و ابراهیم پورداود را در پی داشت (آبادیان، ۱۳۸۵: ۳۰۹). در واقع طرحی را که در هندوستان به ذهن او رسیده بود، در این نشریه به منصه ظهور رساند، ولی «متاع ناسره او که وسیله‌ای برای یکسره کردن کار زبان سعدی و حافظ بود با وجود اقبال و کمکی که از طرف افراد بوالهوس و خودخواه و بد می‌شد، رونقی نیافت» (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۷۴).

آزاد مراغه‌ای خود در پاسخ به کسانی که فرهنگ واژگان او را بی‌پایه و اساس می‌دانند، چنین می‌نویسد: «واژه‌هایی که در نامه پارسی نوشته می‌شود از این مهرک‌های (کتاب) ۲۰گانه گرفته شده. اگر کسی واژه‌ای پیدا کند که در هیچ‌یک از آن‌ها نباشد، یک مهمانی پنج تنی به او خواهیم داد و اگر در بیرون تهران باشد، سه تومان خواهیم فرستاد و اگر او نتوانست پیدا کند، از من پرسید باید یک تومان بدهد تا نشان بدهم.» (نامه پارسی، ش ۱، ۱۲). وی هم‌چنین درباره سختی‌هایی که در راه جمع‌آوری این لغات کشیده است، می‌نویسد: «ای کاش خوانندگان گرامی می‌دانستند که من با چه زحمات و صدماتی چهارده سال از عمر خود را برای جمع‌آوری این لغات صرف کرده‌ام و اکنون برای چاپ آن به چه مصایبی مبتلا می‌باشم. پهلوی بشکافید ببینید دلم را تا چند بگویم که چنین است و چنان است» (نامه بانوان، ۱۳۳۸: ۶).

پس از نشر نامه پارسی، ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای به مدت کوتاهی به انتشار روزنامه‌ای به نام "آسایش" پرداخت. اولین شماره این روزنامه در ربیع‌الاول ۱۳۳۸ قمری (حمل ۱۲۹۹ شمسی) منتشر شد. در آن زمان، "آسایش" از روزنامه‌های مهم و معروف تهران به شمار می‌رفت. این روزنامه، هفته‌ای دوبار در چهار تا شش صفحه در تهران منتشر می‌شد. روزنامه آسایش

## مقاله پژوهشی

بخشی از مطالب خود را به مهمترین رخدادها و اخبار دیگر جراید اختصاص می‌داد. مطالب این روزنامه بیشتر انتقادی بود؛ به همین علت، تنها هجده شماره از آن انتشار یافت. علت توقیف نشریه فعالیت‌های سیاسی آزاد در حزب دموکرات (مستشارالدوله، ۱۳۶۷: ۱۷۷) و مخالفت با دولت وثوق‌الدوله بود که منجر به دستگیری وی شد (جمالزاده، خاطرات سیاسی و تاریخی، ۱۳۶۲: ۱۹۸) مدارک موجود حکایت از آن دارد که مراغه‌ای جزو دموکرات‌های ضد تشکیلی بوده است؛ به طوری که در جلسات آن‌ها شرکت کرده و به ارائه نطق می‌پرداخته است. «در ۲۴ سنبله ۱۳۳۵ میرزا ابوالقاسم مدیر روزنامه پرسی نطق مهیجی در مجمع ضد تشکیلیون کرده از جمله عبارات قابل توجه مشارالیه این بود که ژنرال ساکس دیپلمات بزرگی است...» (مستشارالدوله، ۱۳۶۷: ۱۷۷/۳). به طوری که یک‌بار در خانه امام جمعه خوبی نطقی علیه دولت وثوق‌الدوله ایراد کرد (همان، ۱۹۸/۳). این امر موجب واگذاری مدیریت روزنامه آسایش به میرزا ابوطالب شیروانی بنان‌السلطنه شد (صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۱۵۱/۱).

پس از آن، ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای با همکاری همسرش، شهناز آزاد (رشدیه)، در ۱۲ ذی‌قعدة ۱۳۳۸ قمری (معادل حمل ۱۲۹۹ شمسی) نشریه‌ای به نام نامه بانوان منتشر کرد. این نشریه دو بار در ماه و در هشت صفحه منتشر می‌شد. در صفحه اول آن، شعاری آمده بود که می‌گفت: زنان نخستین آموزگار مردان‌اند، که در واقع آن را برای بیداری و رستگاری زنان بیچاره و ستم‌دیده ایران می‌دانست. این نشریه به منظور ترویج آگاهی و حقوق زنان در جامعه ایران تأسیس شده بود. (نامه بانوان، ۱۳۳۸: ۱)

آزاد مراغه‌ای دولت را به دلیل عدم کمک و مخالفت با فرهنگ او به باد انتقاد می‌گیرد و می‌گوید: «...هیئت‌های دولت ایران هم تقریباً تمام اعمال نامشروع را که می‌کنند، بد نمی‌دانند ولی زنده شدن زبان پارسی و فرهنگ آزاد را بد می‌دانند و پیوسته به من و طرفداران این عقیده ناسزا می‌گویند. من مساعدت آن‌ها را نخواستم به همین قانع هستم که معاندت نکنند» (آزاد، ۱۳۳۸: ۶).

در سال ۱۲۹۸ شمسی، ابوالقاسم آزادمرآغه‌ای با همکاری همسرش، انجمنی مخفی به نام مجمع کشف حجاب تأسیس کرد که به مسائل حجاب و حقوق زنان می‌پرداخت و جلسات آن با حضور زنان و مردان در منزل آزادمرآغه‌ای برگزار می‌شد (سیفی تفرشی، ۱۳۶۸: ۱۰۲). یحیی دولت‌آبادی نیز در این جلسات شرکت می‌کرد و معایب حجاب معمول را مطرح می‌کرد (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۴۳۳/۴). مخبرالسلطنه هدایت در کتاب خاطرات و خطرات این منظومه را به چاپ رسانده است. (هدایت، ۱۳۷۵: ۴۰۶). این انجمن به دلیل مغایرت با فرهنگ عمومی جامعه توسط شهربانی منحل شد و آزادمرآغه‌ای دستگیر و به زندان فرستاده شد (اطلاعات هفتگی، ۱۳۲۵: ۱۸). تلاش‌های او برای کشف حجاب چهار بار او را به زندان و تبعید کشاند (دنیای زنان در عصر قاجار، سند شماره A15903، مهر ۱۳۰۶). پس از این وقایع، آزادمرآغه‌ای به تبریز رفت و نشریه‌ای به نام آزاد را منتشر کرد (اسناد مطبوعات، ۱۳۷۲: ۱۵/۱). اولین شماره این روزنامه در ربیع‌الاول ۱۳۴۰ قمری منتشر شد، اما پس از شش شماره توقیف شد (تربیت، ۱۳۷۸: ۵۸۳). پس از تلاش‌های متعدد، مجوز انتشار مجدد این روزنامه در بهمن ۱۳۰۰ صادر شد (اسناد مطبوعات، ۱۳۷۲: ۱۷/۱). روزنامه آزاد آخرین نشریه‌ای بود که ابوالقاسم آزادمرآغه‌ای منتشر کرد؛ اما فعالیت‌های وی در خصوص رفع حجاب همچنان ادامه داشت.

## تلاش‌های آزاد در تغییر خط و الفبا

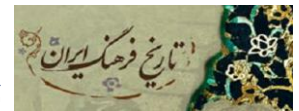
تلاش برای پیرایش خط و زبان فارسی و زدودن کلمات غیر فارسی از زبان فارسی، از دیرباز مورد توجه بوده است که گاه به منظور حفظ زبان و از سر دلسوزی و گاه به بهانه حفظ زبان و در اصل برای زدودن لغات زبان عربی، دست به اقداماتی زده می‌شد. در دوره قاجار که توجه نویسندگان به استخدام و استعمال کلمات عربی بیش از پیش بود، کسانی مانند یغمای جندقی سعی در سرهنویسی داشتند و نامه‌های کوتاه و بلندی به زبان فارسی نوشتند و از به کارگیری لغات عربی اجتناب کردند. مانند یغما در زمان او و بعد از او کم نبودند که البته تلاششان به جایی نرسید و سخنشان در دل‌ها ننشست.

چنان‌که اشاره شد ابوالقاسم آزاد هنگامی که در هند بود به منظور تدوین فرهنگ‌نامه‌ای عاری از کلمات بیگانه به جمع‌آوری لغات پارسی و معادل عربی و انگلیسی آن پرداخت و در نظر داشت این فرهنگ‌نامه خود را به چاپ برساند (صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۲۶۴/۴). آزاد، بخشی از این فرهنگ را به ضمیمه نامه پارسی منتشر نمود. وی درباره این اقدام می‌نویسد: «من ۲۴ سال است برای نوشتن این فرهنگ زحمت کشیده‌ام و به واسطه نبودن حروف تازه و مختلف در مطابیع تهران ناچار شدم آن را ضمیمه روزنامه چاپ کنم» (صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۲۶۱/۴). تلاش وی برای چاپ مستقل آن راه به جایی نبرد، اما این فرهنگ به کوشش پسرش همایون آزاد در تبریز به سال ۱۳۸۵ از سوی انتشارات فروغ آزادی به چاپ رسیده است.

آزاد مراغه‌ای از اولین کسانی بود که موضوع تأسیس انجمنی جهت پالایش زبان فارسی را مطرح کرد (دولتشاهی، ۱۳۵۱: ۵۱). در اولین شماره نامه پارسی می‌نویسد: «در این اندیشه هستم که در همین زودی انجمنی از فرزندان و دانشمندان که به زبان‌های بیگانه به خوبی آشنا هستند به پا نمایم... این انجمن دارای دو پیفون (شرط) باشد: نخست این‌که در دانش و واژه (علم) تاریخ و لغت) رسایی داشته باشد. دوم این‌که باید یکی از زبان‌های فرنگ را خوب بداند» (دولتشاهی، ۱۳۵۱: ۵۱).

در سال ۱۳۰۳ شمسی، آزاد مراغه‌ای نامه‌ای به مجلس و هیئت دولت نوشت و در آن تقاضا کرد که دولت او را برای فراگرفتن بیشتر زبان‌های باستانی به اروپا اعزام کند و هزینه‌ای برای وی در نظر بگیرد. (دنیای زنان در عصر قاجار، شماره سند ۱۶۸۹۰۳). او در نامه‌ای از سردار سپه خواست تا با تأمین بودجه برای اعزام وی به هندوستان جهت فراگرفتن بیشتر زبان باستانی، موافقت خود را اعلام کند. اما تلاش‌های او نتیجه مطلوبی نداشت. با این حال، می‌توان گفت که آزاد مراغه‌ای نخستین کسی بود که طرح تأسیس فرهنگستان زبان را مطرح کرده بود.

اگرچه آزاد مراغه‌ای در ابتدای امر خواهان تغییر و اصلاح الفبای فارسی بود، اما در اواخر عمر از طرفداران جدی تغییر خط فارسی به شمار می‌رفت. آزاد مراغه‌ای پیش از آن‌که در راه الفبای خود به تنهایی کار را آغاز نماید، در نشست‌های آزادگان شرکت می‌کرد و درباره الفبا با کسروی، راهنمای آزادگان گفتگوی فراوانی داشت، اما چون میان او و کسروی و آزادگان در روش کار و چگونگی آن، هماهنگی پدید نیامد، قصد جدایی گرفت (استادی، ۱۳۹۱: ۱۹۴). آزاد مراغه‌ای الفبایی از واج‌های لاتین برای زبان فارسی پدید آورد و به نام الفبای آسان در برگ‌هایی به چاپ رساند و به هرکس و هر سو از ماه‌نامه‌ها و روزنامه‌ها فرستاد و در آن از روزنامه‌ها و مردم طلب یاری و کمک طلبید. از آن‌جا که عده‌ای از مردم و روزنامه‌ها با او همراه شدند، جمعیتی به نام گروه طرفداران الفبای آسان را در تهران و شهرستان‌ها تشکیل داد و خود نیز دبیر این گروه شد (استادی، ۱۳۹۱: ۱۹۴). هدف این جمعیت تغییر خط فارسی به لاتین بود. به اعتقاد وی یکی از علل بی‌سوادی عمومی در ایران، نارسایی خط فارسی است و برای رفع این مانع معتقد بود مانند دیگر کشورهای شرقی همچون ترکیه باید خط فارسی را



## مقاله پژوهشی

به خط لاتین تبدیل کرد و در این راه نیز مساعی بسیار به کار برد (اطلاعات فرهنگی، ۱۳۲۵: ۱۸) مرآغه‌ای بر این باور بود که خط باید مثل حرف لاتین مقطع و دارای یک شکل گردد تا از مضرات و اشکالات حروف اول و وسط و آخر آن نجات یابیم. در این صورت حروف از سی حرف تجاوز نخواهد کرد و آن را هر شخصی یاد خواهد گرفت (آزاد مرآغه‌ای، ۱۳۳۸: ۳). همچنین معتقد بود: «ایرانی تا خط خود را تغییر ندهد و زبان خود را از کلمات اجانب پاک ننماید، محال است که روی سعادت را ببیند» (آزاد مرآغه‌ای، ۱۳۳۸: ۳).

آزادمرآغه‌ای به طرز بیش از حدی به دولت و مجلس خوش‌باور بود و اعتقاد داشت که با پدید آوردن الفبا و پیشنهاد آن به مجلس و دولت، می‌تواند آرزوها و خواسته‌های خود را به دست آورد. به همین دلیل، او برای جلب توجه نمایندگان مجلس در دوره چهاردهم، یک کتاب با عنوان "الفبای آسان" تألیف کرد. امیدوار بود که این پیشنهاد خطی که در کتاب آمده است، مورد بررسی قرار گیرد و در مجلس پانزدهم به عنوان یک طرح قانونی مطرح و تصویب شود. (صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۱۴۱/۱). در این کتاب، آزادمرآغه‌ای به بررسی معایب خط فارسی پرداخته و خط پیشنهادی خود را به عنوان یکی از عوامل پیشرفت معرفی کرده است. علاوه بر مقالات متعددی که در جراید در این زمینه منتشر کرده بود دو رساله جداگانه نیز دربارهٔ مزیت تغییر الفبای فارسی چاپ کرد و در دسترس علاقه‌مندان قرار داد که در آن، فواید و محسنات تغییر الفبا را شرح داده و در آن بعضی از جملات را به صورت الفبای آسان نوشته است (صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۱۴۱/۱).

آزاد مرآغه‌ای پس از پدیدآوردن گروه طرفداران الفبای آسان، خود دبیری آن را بر عهده گرفت و پس از آن که الفبای پیشنهادی او در نشست‌های گروه به گفتگو گزراده شد کمی‌ها و نارسایی‌هایش از میان رفت. آزاد در کتابچهٔ خود پس از یادآوری کوتاهی از نارسایی‌ها و دشواری‌های خط عربی و پاسخ به مخالفان این جنبش و آوردن برخی از گفتارهای روزنامه‌های کشور دربارهٔ الفبای خود، الفبای آسان را با جمله‌هایی از همان الفبا به رشتهٔ تحریر درآورد و کتابچهٔ خود را به پایان رساند (کاظمی، ۱۳۹۱: ۱۹۵).

آزاد در سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۱ گاهی با روزنامهٔ مردم ارگان حزب توده همکاری می‌کرد (خامه‌ای، ۱۳۷۲: ۲۶۶). ابوالقاسم آزادمرآغه‌ای در پنجم خرداد ۱۳۲۵ در تهران درگذشت. از او آثاری به جا مانده است: *الفبای آسان* و *رهنمای نوerosان* (مشار، ۱۳۴۰: ۲۲۵)، *آداب معاشرت* ترجمه از انگلیسی و *دیوان آزاد* شرح تبعیدها و زندان‌هایی است که به جرم طرفداری از آزادی نسوان گرفتار آن بوده و به پارسی سره سروده بود (اطلاعات هفتگی، ۱۳۲۵: ۱۸).

## نتیجه

تلاش‌های ابوالقاسم آزادمرآغه‌ای در تغییر خط و الفبای فارسی، به عنوان بخشی از جنبش‌های اصلاحی اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی به شمار می‌رود. آزادمرآغه‌ای با اعتقاد به اینکه نارسایی‌های خط فارسی مانعی بزرگ در راه پیشرفت کشور است، به طراحی الفبای جدیدی به نام «الفبای آسان» روی آورد و تلاش‌های گسترده‌ای برای ترویج آن انجام داد. او معتقد بود که تغییر خط فارسی به خط لاتین می‌تواند به افزایش سواد عمومی و تسهیل آموزش کمک کند و در نهایت به رشد فرهنگی و علمی ایران بینجامد. با این حال، تلاش‌های آزادمرآغه‌ای با مخالفت‌ها و چالش‌های فراوانی مواجه شد. بسیاری از روشنفکران و فرهنگیان آن زمان، تغییر خط را تهدیدی برای هویت فرهنگی و تاریخی ایران می‌دانستند و معتقد بودند که این اقدام می‌تواند پیوند ایرانیان با میراث ادبی و فرهنگی خود را تضعیف کند. با وجود این، تلاش‌های آزادمرآغه‌ای تأثیرات مهمی بر تحولات فرهنگی و زبانی ایران داشت. او یکی از پیشگامان جنبش سرهنویسی بود که هدفش پالایش زبان فارسی از واژگان

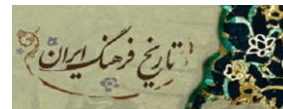
بیگانه، به ویژه عربی، بود. این جنبش اگرچه با انتقادهایی مواجه شد، اما زمینه‌ساز بحث‌های بعدی درباره اصلاح خط و زبان فارسی شد.

## تضاد منافع

بدین‌وسیله نویسندگان اعلام می‌دارند که هیچ نفع متقابلی از انتشار این مقاله ندارند.

## منابع

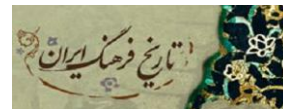
۱. آبادیان، حسین (۱۳۸۵). *ایران از سقوط مشروطه تا کودتای سوم اسفند*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۲. آبادیان، حسین (۱۳۸۷). «روایت و فراروایت در اندیشه جلال‌الدین میرزا قاجار» در نشریه فرهنگ، ش ۶۸.
۳. آخوندزاده، میرزا فتحعلی (۱۳۵۷). *الفبای جدید و مکتوبات*، به کوشش حمید محمدزاده، تبریز، احیاء.
۴. آخوندزاده، میرزا فتحعلی (بی‌تا). *مقالات*، گردآورنده: باقر مؤمنی، تهران، آوا.
۵. آیین‌پور، یحیی (۱۳۷۴). *از نیما تا روزگار ما*، تهران، زوار.
۶. آزاد مراغه‌ای، ابوالقاسم (۱۲۹۵). *نامه پارسی*، س ۱، ش ۱، ص ۷.
۷. آزاد مراغه‌ای، ابوالقاسم (۱۳۲۳). *مجله بانو*، س ۱، ش ۲، ص ۱۲.
۸. آزاد مراغه‌ای، ابوالقاسم (۱۳۳۸). *روزنامه آسایش*، ش ۱۸، ص ۳.
۹. آزاد مراغه‌ای، ابوالقاسم (۱۲۹۹). *نامه بانوان*، ش ۵، ص ۶.
۱۰. آزاد، شهناز (۱۲۹۹). «نامه بانوان» در *تجدد*، س ۳، ش ۶۰، ۱۸ تیر، ص ۴.
۱۱. استادی، کاظم (۱۳۹۱). *فعالان اصلاح‌القب و تغییر خط*، تهران، علم.
۱۲. *اسناد مطبوعات (سال‌های ۱۲۸۶ - ۱۳۲۰)* (۱۳۷۲). ج ۱، به کوشش کاوه بیات و مسعود کوهستانی‌نژاد. تهران، سازمان اسناد ملی ایران.
۱۳. افشار، ایرج (۱۳۷۱). «یادی از ابوالقاسم آزاد مراغی» در *آینده*، س ۱۸، ش ۷-۱۲.
۱۴. پورداد، ابراهیم (۱۳۵۵). *فرهنگ ایران باستان*، تهران، دانشگاه تهران.
۱۵. تربیت، محمدعلی (۱۳۷۸). *دانشمندان آذربایجان*، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۶. جمالزاده، محمدعلی (۱۳۶۲). *خاطرات سیاسی و تاریخی-خاطراتی از محمدعلی جمالزاده ... / او دیگران*، تهران، فردوسی.
۱۷. جندقی، یغما (۱۳۶۲). *مجموعه آثار یغمای جندقی*، (مکاتب و منشآت)، ج ۲، تصحیح سیدعلی آل‌داود، تهران، توس.
۱۸. حکمت، علی‌اصغر (۱۳۳۰). *پارسی نغز*، تهران، کتابفروشی حقیقت.
۱۹. خامه‌ای، انور (۱۳۷۲). *خاطرات سیاسی*، تهران، گفتار.
۲۰. *اطلاعات هفتگی*، «درگذشت یک مرد دانشمند» (۲۴ خرداد ۱۳۲۵). س ۶، ش ۲۵۷.
۲۱. دولت‌آبادی، صدیقه (۱۳۳۸). *زبان زنان*، س ۲، ش ۱۳، شوال، ص ۲.
۲۲. دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۲). *حیات یحیی*، ج ۴، تهران، جاویدان.
۲۳. دولت‌شاهی، علیرضا (۱۳۵۱). «آزاد مراغی و پارسی‌نویسی» در *جهان کتاب*، س ۲، ش ۷ - ۸.
۲۴. سیفی تفرشی، مرتضی (۱۳۶۸). *پلیس خفیه ایران*، تهران، ققنوس.



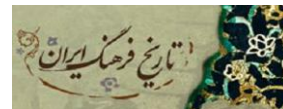
۲۵. صدرهاشمی، محمد (۱۳۶۳). *تاریخ جراید و مجلات ایران*، ج ۱، اصفهان، کمال.
۲۶. صفایی، ابراهیم (۲۵۳۵)، *رضاشاه کبیر در آینه خاطرات*. تهران، وزارت فرهنگ و هنر.
۲۷. عین‌السلطنه، قهرمان میرزا (۱۳۷۸). *روزنامه خاطرات*، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، ج ۶، تهران، اساطیر.
۲۸. فتحی، نصرت‌الله (۱۳۵۲). «مستخرجاتی چند از مجموعه‌ای به نام (خزانه) ابوالقاسم مرغه‌ای و پارسی سره»، نشریه گوهر، ش ۶، ص ۵۵۵-۵۵۷.
۲۹. فصیحی، سیمین (۱۳۷۲). *جریان‌های اصلی تاریخ‌نگاری در دوره پهلوی*، تهران، نوند.
۳۰. کرمانی، میرزا آقاخان (۱۳۲۴). *آینه سکندری*، تهران، بی‌نا.
۳۱. کحال‌زاده، ابوالقاسم (۱۳۶۳). *دیده‌ها و شنیده‌ها: خاطرات میرزا ابوالقاسم خان کحال‌زاده... درباره مشکلات ایران در جنگ بین‌المللی ۱۹۱۸-۱۹۱۴*، تهران، چاپ مرتضی کامران.
۳۲. محیط طباطبایی، محمد (۱۳۷۵). *تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران*، تهران، بعثت.
۳۳. مستشارالدوله، صادق (۱۳۶۷). *خاطرات واسناد - راپرت‌های پلیس مخفی*، ج ۳، به کوشش ایرج افشار، تهران، طلایه.
۳۴. مشار، خانابا (۱۳۴۰). *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*، ج ۱، تهران، بینا.
۳۵. *نامه بانوان*، س ۱، ش اول، ۱۲ ذیقعد ۱۳۳۸/۱۳۳۹، ص ۱.
۳۶. هدایت، مهدی قلی خان (۱۳۷۵). *خاطرات و خطرات*، تهران، زوار.

### Persian Sources:

1. Abadian, Hossein (2006). *Iran from the Fall of the Constitutional Revolution to the Coup of March 3*, Tehran: Institute for Political Studies and Research. (In Persian)
2. Abadian, Hossein (2008). "Narrative and Metanarrative in the Thought of Jalal al-Din Mirza Qajar," in *Farhang Journal*, No. 68.
3. Akhundzadeh, Mirza Fath-Ali (1978). *The New Alphabet and Writings*, edited by Hamid Mohammadzadeh, Tabriz: Ahya. (In Persian)
4. Akhundzadeh, Mirza Fath-Ali (n.d.). *Articles*, compiled by Baqer Mo'meni, Tehran: Ava. (In Persian)
5. Arinpour, Yahya (1995). *From Nima to Our Time*, Tehran: Zavar. (In Persian)
6. Azad Maraghei, Abolqasem (1916). *Persian Letter*, Year 1, No. 1, p. 7.
7. Azad Maraghei, Abolqasem (1944). *Banu Magazine*, Year 1, No. 2, p. 12.
8. Azad Maraghei, Abolqasem (1959). *Asayesh Newspaper*, No. 18, p. 3.
9. Azad Maraghei, Abolqasem (1920). *Women's Letter*, No. 5, p. 6.
10. Azad, Shahnaz (1920). "Women's Letter" in *Tajaddod*, Year 3, No. 60, July 9, p. 4.
11. Astadi, Kazem (2012). *Activists of Alphabet Reform and Script Change*, Tehran: Elm. (In Persian)
12. *Press Documents (1907-1941)* (1993). Vol. 1, edited by Kaveh Bayat and Masoud Kohestani-Nejad, Tehran: National Archives of Iran. (In Persian)
13. Afshar, Iraj (1992). "A Remembrance of Abolqasem Azad Maraghei," in *Ayandeh*, Year 18, No. 7-12.
14. Purdavood, Ebrahim (1976). *Culture of Ancient Iran*, Tehran: University of Tehran. (In Persian)
15. Tarbiat, Mohammad Ali (1999). *Scholars of Azerbaijan*, edited by Gholamreza Tabatabai Majd, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. (In Persian)
16. Jamalzadeh, Mohammad Ali (1983). *Political and Historical Memoirs: Memoirs of Mohammad Ali Jamalzadeh... [and Others]*, Tehran: Ferdowsi. (In Persian)
17. Jandaqi, Yaghma (1983). *Collected Works of Yaghma Jandaqi (Correspondences and Letters)*, Vol. 2, edited by Seyyed Ali Al-Davood, Tehran: Toos. (In Persian)
18. Hekmat, Ali Asghar (1951). *Elegant Persian*, Tehran: Haqiqat Bookstore.
19. Khamai, Anwar (1993). *Political Memoirs*, Tehran: Gofar. (In Persian)
20. *Weekly Information*, "The Passing of a Learned Man" (June 14, 1946). Year 6, No. 257.
21. Dowlatabadi, Seddiqa (1959). *Women's Language*, Year 2, No. 13, Shawwal, p. 2.
22. Dowlatabadi, Yahya (1983). *The Life of Yahya*, Vol. 4, Tehran: Javidan. (In Persian)
23. Dowlatshahi, Alireza (1972). "Azad Maraghei and Persian Writing," in *Jahan-e Ketab*, Year 2, No. 7-8.



24. Seifi Tafreshi, Morteza (1989). *Iran's Secret Police*, Tehran: Qoqnoos. (In Persian)
25. Sadr Hashemi, Mohammad (1984). *History of Iranian Newspapers and Magazines*, Vol. 1, Isfahan: Kamal. (In Persian)
26. Safai, Ebrahim (1976). *Reza Shah the Great in the Mirror of Memoirs*, Tehran: Ministry of Culture and Arts. (In Persian)
27. Ein al-Saltaneh, Qahraman Mirza (1999). *Diary*, edited by Masoud Salour and Iraj Afshar, Vol. 6, Tehran: Asatir. (In Persian)
28. Fathi, Nosratollah (1973). "Excerpts from a Collection Named 'Khazaneh' by Abolqasem Maraghei and Pure Persian," *Gohar Journal*, No. 6, pp. 555-557.
29. Fasihi, Simin (1993). *Main Currents of Historiography in the Pahlavi Era*, Tehran: Navand.
30. Kermani, Mirza Aqa Khan (1945). *Alexander's Mirror*, Tehran: n.p. (In Persian)
31. Kohalzadeh, Abolqasem (1984). *Seen and Heard: Memoirs of Mirza Abolqasem Khan Kohalzadeh... About Iran's Problems in the World War of 1914-1918*, Tehran: Edited by Morteza Kamran. (In Persian)
32. Mohit Tabatabai, Mohammad (1996). *Analytical History of Iranian Press*, Tehran: Besat. (In Persian)
33. Mostashar al-Dowleh, Sadeq (1988). *Memoirs and Documents: Secret Police Reports*, Vol. 3, edited by Iraj Afshar, Tehran: Toloueh. (In Persian)
34. Moshar, Khanbaba (1961). *Authors of Printed Persian and Arabic Books*, Vol. 1, Tehran: n.p. (In Persian)
35. *Women's Letter*, Year 1, No. 1, August 1, 1920, p. 1.
36. Hedayat, Mehdi Qoli Khan (1996). *Memoirs and Dangers*, Tehran: Zavar. (In Persian)



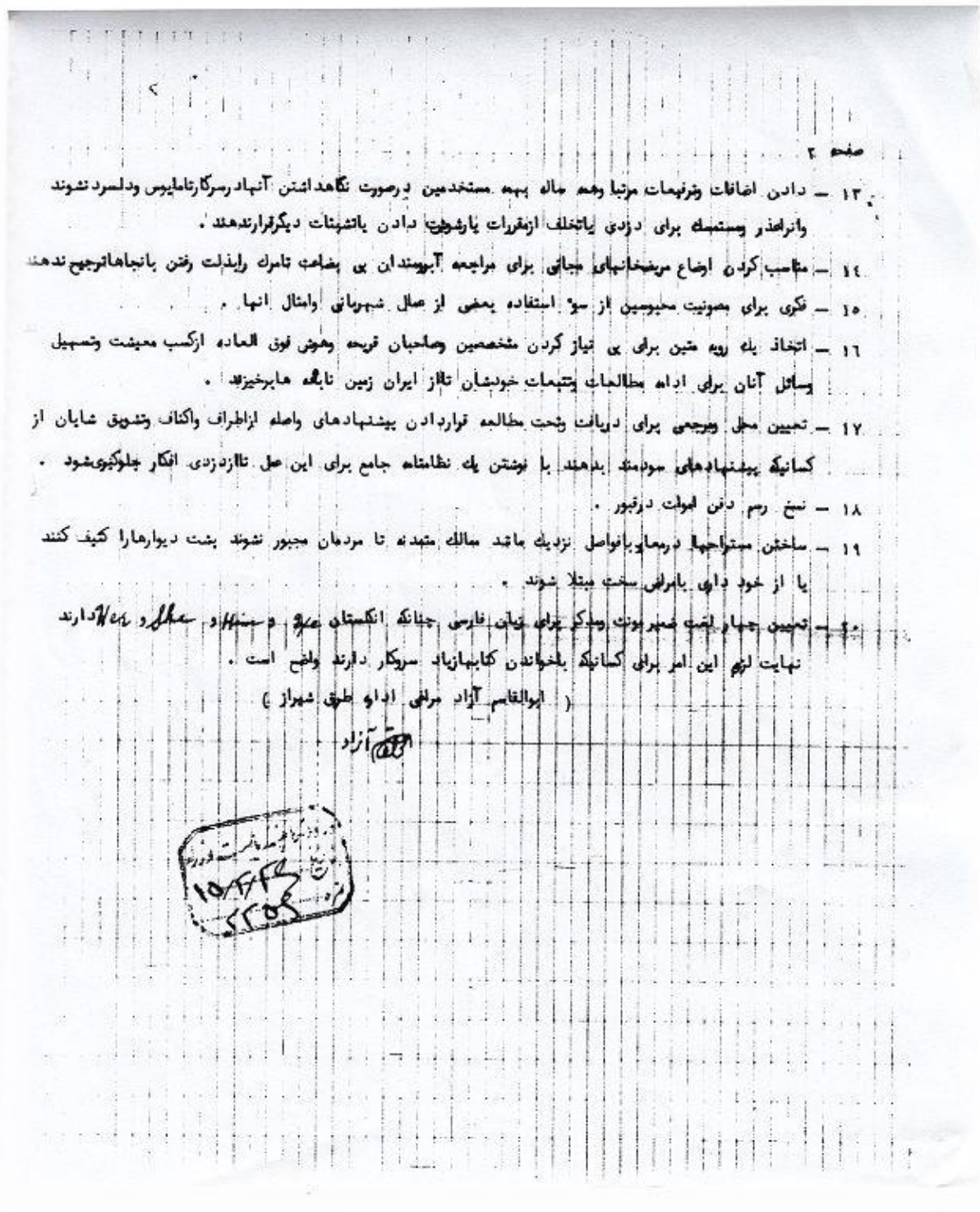
1. Ābādīān, H. (1385). *Īrān az soqūt-e mashrūteh tā kudatā-ye somā-ye esfand*. Tehran: Mo'assese-ye Motāle'āt va Pazhūhesh-hā-ye Sīyāsī.
2. Ābādīān, H. (1387). "Ravāyat va farā-ravāyat dar andīshe-ye Jalāl al-Dīn Mīrzā Qājār." *Farhang*, 68.
3. Ākhūndzādeh, M. F. (1357). *Alef-bā-ye jadīd va maktūbāt* (H. Moḥammadzādeh, Ed.). Tabriz: Aḥyā'.
4. Ākhūndzādeh, M. F. (n.d.). *Maqālāt* (B. Mowmenī, Ed.). Tehran: Āvā.
5. Ārīnpūr, Y. (1374). *Az nīmā tā rūzgar-e mā*. Tehran: Zvar.
6. Āzād Marāghe'ī, A. Q. (1295). "Nāmeh-ye Pārsī." *Nāmeh-ye Pārsī*, 1(1), 7.
7. Āzād Marāghe'ī, A. Q. (1323). *Majalle-ye Bānū*, 1(2), 12.
8. Āzād Marāghe'ī, A. Q. (1338). *Rūznāmeh-ye Āsāyesh*, 18, 3.
9. Āzād Marāghe'ī, A. Q. (1299). *Nāmeh-ye Bānūān*, 5, 6.
10. Āzād, Š. (1299). "Nāmeh-ye Bānūān." *Tajaddod*, 3(60), 4.
11. Estādī, K. (1391). *Fa'ālān-e eslāh-e alef-bā va taghīr-e khat*. Tehran: 'Elmi.
12. Asnād-e Matbū'āt (1286–1320). (1372). J. 1 (K. Bayāt & M. Kūhestānī-nezhād, Eds.). Tehran: Sāzmān-e Asnād-e Mellī-ye Īrān.
13. Afshār, I. (1371). "Yādī az Abū al-Qāsem Āzād Marāghī." *Āyandeh*, 18(7–12).
14. Pūrdāvud, E. (1355). *Farhang-e Īrān-e Bāstān*. Tehran: Dāneshgāh-e Tehran.
15. Tarbiyat, M. 'Alī. (1378). *Dāneshmandān-e Āzarbāyyjān* (G. R. Tabātabāyī-Mojad, Ed.). Tehran: Vezārat-e Farhang va Ershād-e Eslāmī.
16. Jamālzādeh, M. 'Alī. (1362). *Khāterāt-e sīyāsī va tārīkhī*. Tehran: Ferdowsī.
17. Jandqī, Y. (1362). *Majmū'eh-ye Āsār-e Yaghmā Jandqī* (S. 'Alī Āl-Dāvūd, Ed.), Vol. 2. Tehran: Tūs.
18. Hekmat, A. 'A. (1330). *Pārsīnaghz*. Tehran: Ketābforūshī-ye Ḥaqīqat.
19. Khāmeḥ'ī, A. (1372). *Khāterāt-e sīyāsī*. Tehran: Goftār.
20. *Ettelā'āt-e hafīḡī*, "Dar gozasht-e kamardān-e dāneshmand." (24 Khordād 1325), 6(257).
21. Dowlat-Ābādī, S. (1338). *Zabān-e zanān*, 2(13), Shavāl, 2.
22. Dowlat-Ābādī, Y. (1362). *Ḥayāt-e Y. D.*, Vol. 4. Tehran: Jāvīdān.
23. Dowlatshāhī, 'A. (1351). "Āzād Marāghī va Pārsī-Navīsī." *Jahān-e Ketāb*, 2(7–8).
24. Sefī-Tafrashī, M. (1368). *Polīs-e khaft-ye Īrān*. Tehran: Qoqnus.
25. Šadr-Hāshīmī, M. (1363). *Tārīkh-e jarāyed va majallāt-e Īrān*, Vol. 1. Isfāhan: Kamāl.
26. Šafā'ī, E. (2535). *Reżā Shāh-e Bozorg dar āyene-ye khāterāt*. Tehran: Vezārat-e Farhang va Honar.
27. 'Ayn al-Saltaneh, Q. M. (1378). *Rūznāmeh-ye khāterāt*, Vol. 6 (M. Sālor & I. Afshār, Eds.). Tehran: Asātīr.
28. Fathī, N. (1352). "Mostakhrājātī chand az majmū'eh-ī be nām-e (Khazāneh) Abū al-Qāsem Marāghe'ī va Pārsī-Serah." *Goher*, 6, 555–557.
29. Fasīhī, S. (1372). *Jaryān-hā-ye aslī-ye tārīkh-negarī dar dōwr-e Pahlavī*. Tehran: Nowand.
30. Kermānī, M. Ā. Kh. (1324). *Āyeneh-ye Eskandari*. Tehran: n.p.
31. Kahālzādeh, A. Q. (1363). *Dīdeh-hā va shenideh-hā: Khāterāt-e Mīrzā Abū al-Qāsem Khān Kahālzādeh...* Tehran: Chāp-e M. Kāmran.
32. Moḥīt-Tabātabā'ī, M. (1375). *Tārīkh-e taḥlīlī-ye matbū'āt-e Īrān*. Tehran: Ba'sat.
33. Mostashār al-Dowleh, Š. (1367). *Khāterāt va asnād - Rāpert-hā-ye polīs-e makhfī*, Vol. 3 (I. Afshār, Ed.). Tehran: Talāyeh.
34. Mashār, Khān Bābā. (1340). *Mo'allefīn-e kotob-e chāpī Fārsī va 'Arabī*, Vol. 1. Tehran: Bīnā.
35. Nāmeh-ye Bānūān, 1(1), 12 Dhū al-Qa'dah 1338 / 1 Asad 1299, 1.
36. Hedayat, M. Q. Khān. (1375). *Khāterāt va khatarāt*. Tehran: Zvar.

۳۸۲۲

۱۲۲۰۲

روزهای آزاد (روزهای تعطیل)  
۱۳۱۵/۲/۲۲

- ۱- نخست - طول عمر و تندرستی و شادمانی اطهر حضرت همایون شاهنشاهی بهیچ برای ادامه خدمات درخشان پاییزان.
- ۲- پس از آزادی زنلن از ویکریه ابراهیم کردن مدمات تمام اتان با مردان در هر چیز.
- ۳- بیرون کردن کلمات عربی از زبان فارسی تا حروف متشابه مانند ت - ص - س - از میان رفته یکی بماند و بیشتر صر مردم برای آموختن املا ضایع نشود.
- ۴- تبدیل خط سرابا حبه گوتی بخط لاتینی طبق اسپراتو با اندک تغییر لانه بلجه زبان فارسی برای آسانی تعلیم اجباری عمومی و عدم وقوع اشتباهات ضرر بی شمار در کتابها و مراسلات و اخبار که فقط در این - صورت فارسی زبانان میتوانند در یک هفته بر خط نوشتن و خواندن را بیاموزند و بقیه وقت را بجای صرف باملا بیعلم و فزون صرف کنند.
- توضیح اینکه اسلخ خط لاتینی اصلا از ایران است و از خط اوستا اقتباس شده.
- در زبان وزارت جنگ اطهر حضرت این جانب عضو کمیسیون بود که دران وزارت خواه برای اصطلاحات لشکری لغات فارسی وضع میکردیم.
- موضوع تبدیل خط فارسی به لاتینی را در انوقت حسب الامر حل و راهپوششرا تقدیم کرده ایم.
- ۵- منع عادات ذیل - کشیدن تریاک و استعمال سایر موادان جز در موارد طبی.
- ۶- تعدد زوجات - روضه خوانی - کدائی - دعانویسی - ربائی - نقالی - فالگیری - منیجات الکلی.
- ۷- نسخ و انفا - جشن ها و سکوایهای عربی و سیا کردن جشنها و سکوایهای باستانی ایران.
- ۸- برانداختن تاریخ سال هجری و تبدیل آن بناوی یک واقعه مهم مایه افتخار ایرانیان.
- ۹- اختصاص تعلیمات روحانیت فقط بمسائل اساسی ذیل - یکم اعتقاد بخدا - دوم درستی پانهاانیدن اینکه راه راست نزدیکتر از راه کج است - سوم جاودانی بودن حق.
- ۱۰- اجباری کردن زبان اسپراتو برای زبان دم در بهان تعلیم ملل و قومیه مجمع اتفای ملل که آشاهرا تمام زبانهای دیگر است.
- ۱۱- وضع قانون دروایران برای تسهیل امر از دواج.
- ۱۲- گرفتن مالیاتهای بسیار متکین از اشخاص غیر متاهل وضع مقررات برای دستگیری از کسانی که اولاد پیدا میکنند و عبارت اخرا اجرا تشویقهای مناسب برای ترویج نسل.
- مقرر کردن مسابقه ها و دادن انعامها و نشانها به مادران که فرزندان خوش بنیه و خوب بار آورده تانمن معینی بچرا کرده باشند.



سند شماره ۱. نوشته‌ای از آزاد در مورد آرزوهایش که در آن توصیه‌هایی در زمینه امور اجتماعی و خانوادگی، حقوق زنان و دیگر امور

قید شده است. شماره سند ۱۹۰۱۲۸۹۰۳ اردیبهشت ۱۳۱۵.

## مقدمه هیئت مستریم قزاق

۱۵

از زمان مراجعت از تیمید اخیر که قریب پنجاه سال است از من می‌گذشت و کالت اجباراً دست‌نخورده در یکی از بزرگان تاریخ وزارت طرق اتروانده حتی الا مکان مشغول خدمتی هم که وجدان و شرافتمندی مرا نمی‌تواند توفیق نماید ضمناً تاکنون چندین مقاله با مضامین مریض و صریح نوشته پیرامون فرستاده اگر برخی از آنها را چاپ نگردد پس از مدتی دیده ام که مخابرات را تغییر داده بتمام خودشان منتشر ساخته اند. لذا اکنون بعضی از نظریات خود را بطور اختصار بمرض هیئت مستریم دولت مشروح و مخفی رسانیده استدعا دارم بطور ملایمت ادارات مربوطه چنانچه از اخذ توضیحات کافی از خود بنده انتظار می‌رود بفرمایند عملی نهند دارند و سلطنت را پیش از این رایج باین قضایا متخیر نسازند.

۱ - ملزومیت دولتی صیاً و کافه مأمورین باید علاوه بر خدمتی بودن انفرادی بنحوی داکتبه باشند که بزرگان و کلاسیک بصارف شخصی غیر ممکن باشد چنانکه در حال حاضر حقیقتاً هندوستان هم معجزه است تاریخ که این کار انجیل باید ساخت. دولت در این قسمت سه چهارم را بر احتیاج حقیقی خواهد بود (کیفیت انجیل این کار خیلی مشکل و محتاج بتوضیحات شفاهی است).

۲ - ملت بی کتاب و قریب نهایت احتیاج را بکتاب دارد باید بایده سالک ارباب و در میرک شهر یک کتابخانه عالی ساخته شود و تمام کتابهای کتابخانه مجلس و معارف و سلطنتی را در آنجا بگذارد از ساعت هشت صبح تا دوازده شب مجاناً برای ارباب رجوع باز باشد و برای آن دیاد آنها بوجه کافی از سلف مذکور در فقره نهم از این پیشنهاد هلیا تمیل دیگر منظور گردد.

۳ - لازم است دواخانه‌ها در تحت نظارت صحیح بزرگان که اولاً دواخانه کهنه و فاسد را صرف نمایند. ثانیاً قیمت عادل دواها را در روی نسخه‌ها بنویسند. ثالثاً گاهی اداره صهیون یک نسخه را در چندین کافه توزیع بادت اشخاص ناشناس بدواها می‌فرستند سپس همه آنها را تجزیه و رسیدگی نمایند هر دواخانه تقلب کرده باشد او را چنان مجازات کنند که عبرت دیگران گردد.

۴ - تقریباً تمام اطباء قدیمی و جدیدی لا ینق و نالایق تحصیل کرده و بی سواد باشند و بیشتر هر نوع مرض و مریض را قبول و با جان مردمان بازی میکنند اداره صهیون باید که بر در خانه خودشان تابلویی نصب کنند که در این مطب بفلان قسم از امراض رسیدگی و معالجه میشود و بعبارة اخرا اطباء از حیث تخصص تفکیک شوند.

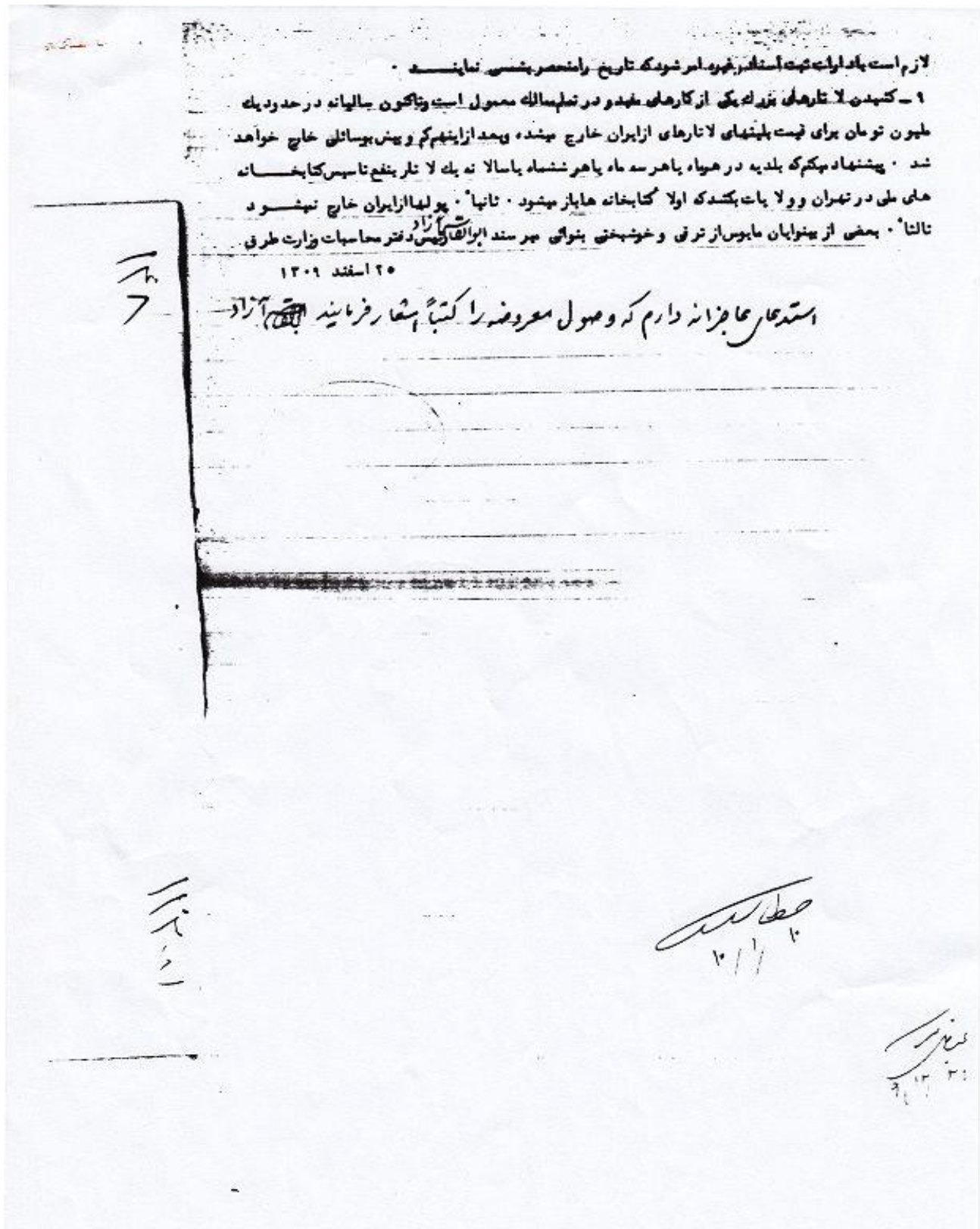
۵ - جمع‌کنی از اطباء و قابل‌ها و دوا و انوکسیون سقط جنین داده برای اندک نفع خودشان موجب اتلاف نفوس میشوند باید مفتشین و مفتشات سری صهیون از این اقدام نوع کس جلوگیری نمایند.

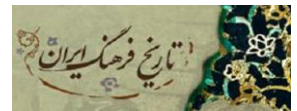
۶ - گاهی تجمیع و عموماً باید نظر دیدن اولیا دولت مستخدمین دولتی را سبب یا شادمین و جسارت خائنین و بالعلازمه خرابی اوضاع تمام ادارات دولتی را سبب شده است و روز بروز بلکه ساعت ساعت بدتر و خراب تر میگردد و ابروی دولت و ملت در پیش خودی و بیگانگان رفته و میرود. بنده حاضر برای این امر مهم نظامنامه بنویسم که سبب اصلاح عموم ادارات شود.

۷ - باید اعلان و اخطار اکیدی از طرف دولت صادر شود که هر یک از مستخدمین دولت به تریاک یا مرفین مبتلا هستند باید تا اول سال ۱۳۱۱ ترک کنند و الا نه تنها اخراج بلکه مجازات نیز خواهند شد.

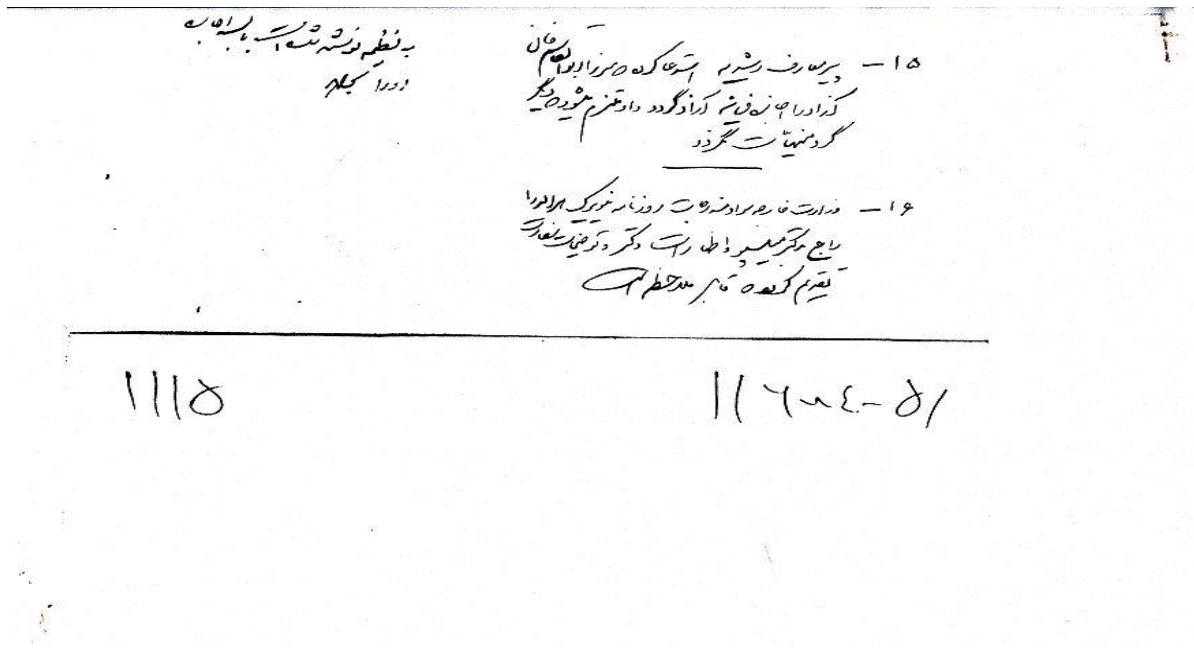
۸ - مضرات و مفسدات کو تاکنون و منتشر شدن تاریخ خیلی زیاد است که تصویر یکم از غایت وضوح محتاج بشرح و بیان نباشد تنها فائده آن بوجوب این انصاف است که در سال قمری سالی ده روز بیشتر محسوب میشود. لذا

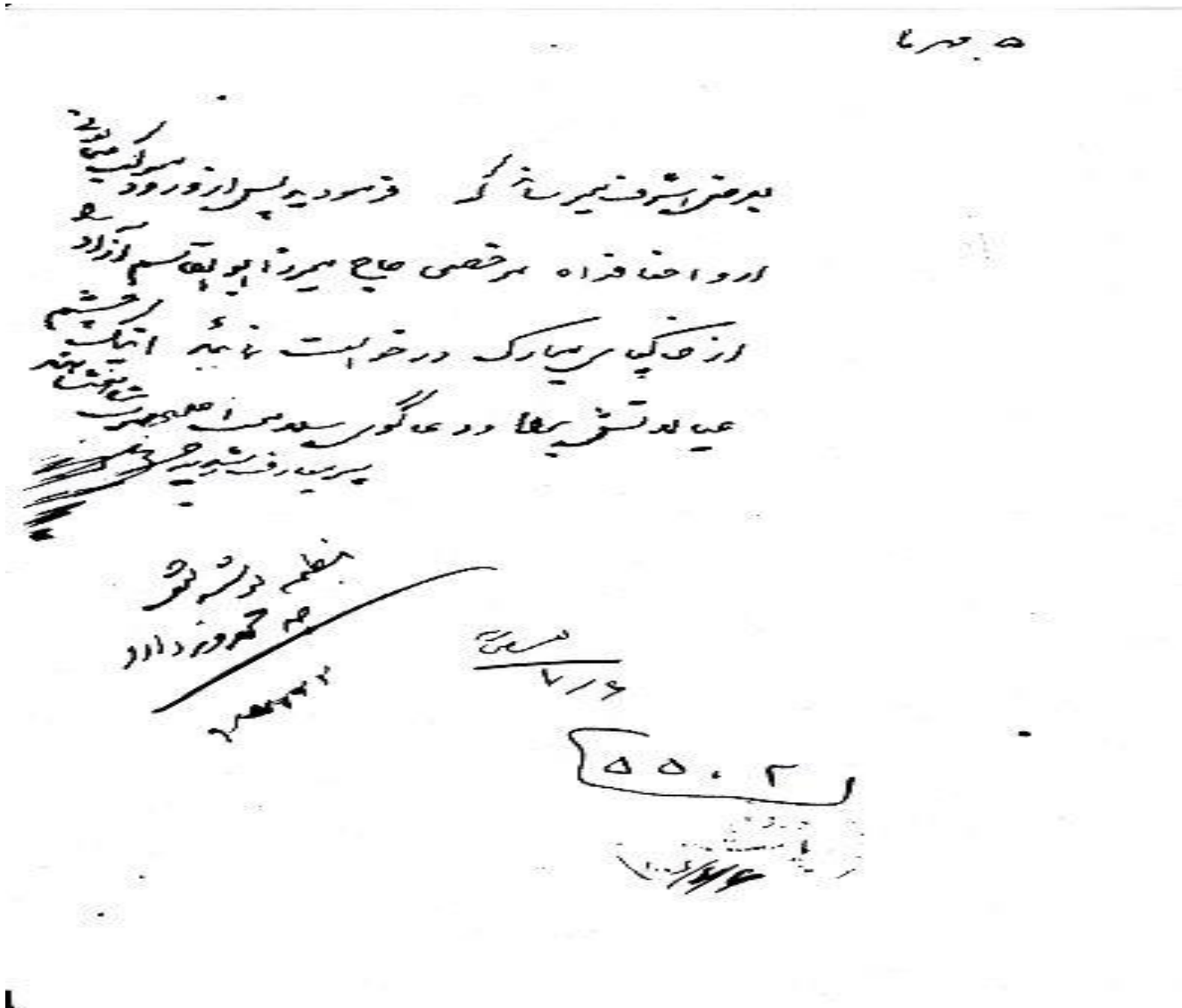
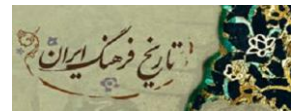
۹۷۲۲۷  
۱۹۶۲

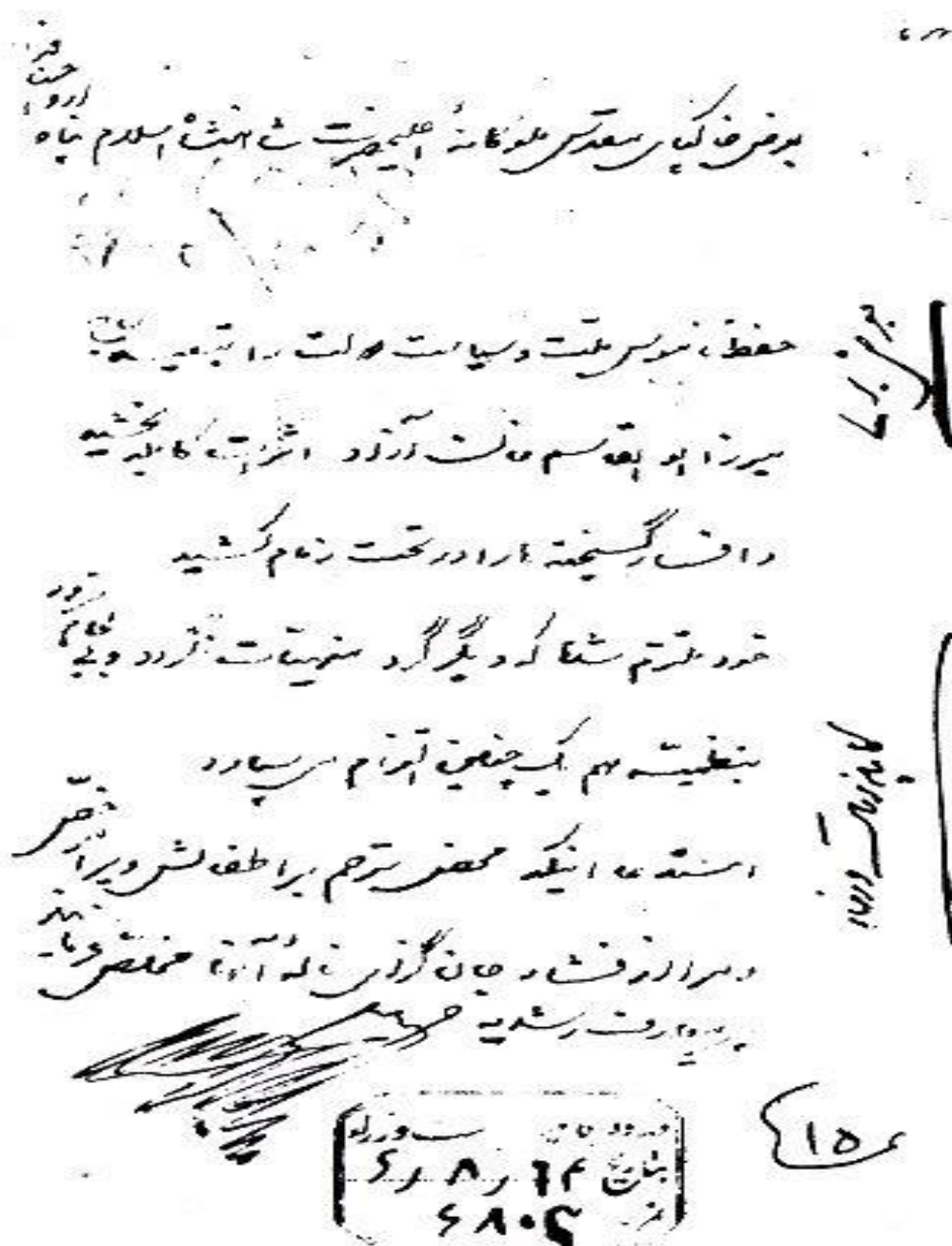




سند شماره ۲. نامه از ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای به هیئت وزراء در خصوص بهبود برخی امور اداری و اجتماعی - شماره سند ۱۷-A۹۰۳-۱۳۰۹ اسفند ۱۳۰۹.







سند شماره ۳. مکاتبات مربوط به تقاضای رشیدی از شاه در مورد آزادی دامادش، حاج میرزا ابوالقاسم آزاد، از زندان- شماره

سند ۱۵A۹۰۳-مهر ۱۳۰۶.